

A SCIENTIFIC AND PHILOSOPHIC CORRESPONDANCE
BETWEEN AZİZ EFENDİ, THE AMBASSADOR TO
PRUSSIA, AND THE GERMAN ORIEN-
TALIST FRIEDRICH VON DIEZ
(1797)

By ERCÜMEND KURAN, PH. D.
(Middle East Technical University)

SUMMARY

Under the Sultans Mehemed II and Suleyman the Magnificent, the Ottoman scholars and thinkers were familiar of the scientific achievements in Western World. But from the middle of the XVI th Century on, Ottoman scholarship sank deeply in Muslim Scholastic. Nevertheless some scholars of the XVII th Century, as Kâtip Çelebi and Hezarfen Hüseyin Efendi, realised the importance of Western science and knowledge.

Ali Aziz Efendi (d. 29 October 1798 at Berlin), the Ottoman resident ambassador sent in 1797 to Prussia, was the first Turkish thinker to get in touch with Western thought. The correspondance exchanged between Ali Aziz Efendi and the German orientalist Friedrich von Diez, found by the Author in Westdeutsche Bibliothek, Marburg/Lahn (Orientalische Abteilung, Ms Diez A quart 129) throws light on it. At the beginning, von Diez aimed only in receiving explanation about linguistic problems. But later, he asked Ali Aziz Efendi some questions concerning philosophic and scientific matters. This were on the nature of the sun, the gender of the things, the relation of the electricity to the lightning, etc... The Ottoman ambassador answered in a booklet, which is unfortunately lost. Meanwhile it is possible to have some ideas on it from von Diez's critics. This clearly shows us that the Ottoman thinker had almost no ideas on the experimental sciences and the rational philosophy of "the Enlightenment".

The Western thought has to penetrate Ottoman Empire in the XIX th Century.

نهاد نهیه اینجا ذرد و جو شور اوله فیکه مکار سوزن
فان دلده دله و فان این فنیه سورنده شناده دکوت و داشت
ضبه و زبه هسان اوله سور و دانه هقطم اناله بمنی دلنه
دله هعنون زمه در جه سوان اویش

-بیشین اول بـ فاعل اول و اکر و ل فاعل اذن فعوه عالم ایسے فاعل
نافع مددن طالبد فعنه عالم اولیه بجهه الله دین بخواز و کرانی
حسن اذنه مثابه اولیه دینی خواه طرفی هان و مبنی بـ اولیه
بجه جفت و این ایزو دو اندیمه بـ در بـ کلام مصطفی اولیه بـ ایه و مدنی
گی ایزو بـ بیان اولنین من و مجه اوزنه کم ذات ایزو نان بـ بخواز اولیه
دین فاعله موسی فعن و فاعله میخی و دکتر

انسانی کارهای این سبک
یا آن دلایل ممکن است
آنکه این سبک را در
آنکه این سبک را در

دوست خشم حضرتند
 سافرت و خسته لک و ضرور تو خصوصات جهشنه ن چند هفته دن برو کار اخوه
 سنت غول او لاپیو ب جوا پ نام دن زیله تا خیر او شدم حالا فریکی ساله کری او قوقدن حکمره
 خاطر بنه خلود اید مرد بر وجهه کستن اغیانه ایدام جمله دن مقدم بنم ۱۶
 سو الفرسه سیدا ولد و قی بر جو ب اول و ساله ده بولمادم بونده ماعدا شفهومه ایس
 بصمه او لنا جفته ناصح او بله زیر اسزک کرم ذات و مکارم صفاتکنو لایه و دلدر که بونه
 بکو سنه ربارا صه او لنه ترجاه البته اینه راجه و غیر ته مبالغه قلد اما اهلها انش
 او نایو ب علوم و معارف اسم و جسمی هنزا ایکن کارکر ابولاده نه سرک نکنکنزو اهرا
 نه مناسب الفاظتو ادا اندز بو اجلدن رساله منکوره ده رابطه وا پیو صاپر اکسد
 و مخالفت و اغاظه کثیر در وهم دعوا و بر همان سلطنه میان ایده اثبات اولمادر
 و الجنه لسان نمر سده ابوج وباده فتح او لد و خنده ناشر حکایه بوناشن قلمه کتابه
 او قیادن اطراف فیلسفت و فیزی علمی روی بجهه ده سولیمه مزه و از جمیعین تحریر بر اق طالع
 اینیجنه بولنک علم و معرفته متعلقه ماده لر فریکو ده یازله مزه شنک سلام على بجهه
 اندز زیان و دفاتر و اسطه سوایله فهم اولنود
 رساله مرقمه در برج او لنا ن ما ته لر بر بر بر دیو بیان نمکن دکدر هان بعضی
 استخراج ایده ایم

نه کوئیتی بیارک اغلطون فیلسفت لفظو پیدا اینه فیاسفت دیدکلری علمی ایجاد اندز
 اندز طون دو خماده موجود الجسم معهوم الاسم بکو علم منکوره دنیاده معهوم ایدز
 بیکن نه، اخیت گریز عذر کامل دیر نزید
 فیلسفت ایده حکمت اش فرق و زردیهات مباحثه کلامیه در حکمیلا معاشر جوقد مرہودم
 و لکن حکمکند فخر الرنه کلن لغظل بر لسانه اکسات دکدر بکه حکمت و فیلسفت لفظو
 و غز ماده ن یکشنه صاحب و قرق سلطنه اولت میسرز مرد غز مردا عرب بر هرمه
 خاطر او انسین دیو فیلسفت لفظو لسانه احادی اندز
 تقسیم علوم لختنیا بجزیه اولان برشوره دیر علمی بشر ارسوره دیا او ترویا ایشراویه
 بر هرمه هر میت کنواز غوا اوزده در اما عادت انسان نه بجهب ایس حقیقته هرمه
 که عند اللد عتم واحد ده

سخونه وبارواق وشایون دیدکلر مبهج انجویونله و دوی ما بیستند
اولوی فریستاده صایپرا اویز صرمنکت مذمیده حسایسر و دصوی متفقی دار
شروع مذهب احکام و مهیه درکه بر این عقیه ایله ره هنند عایت کون کلور
نه ایله سزووستیر با صهایه شه و پدر سکز بزو یاد کترهات رجا اولنور
بیاد کارکر بیزد کوکلزده اولسوئ عزلت و فرامتم سه سقفا سنه بیلش اینجنه
سز قلاز حبوبات کو عالمه ناسعوف و بشتر اولوی ارزو و محظوظ دار
بچو ما بیستنلر مزده جاودی اولان کفت و کوکن عله سن غیرپسر کوش ایده
فایه وار ها نه صانع و دوار او لاز
بهمیت فونه هیتر

احمیوس
۷۹۷۰

IV